

مقدمه

عنوان این رمان کم حجم در زبان روسی (سوگلیاداتای SOGLYADATAY) است و در واقع واژه‌ای قدیمی است که در امور نظامی به معنای "جاسوس" یا "دیده‌بان" به کار می‌رود، البته هیچ‌یک از این دو واژه نمی‌تواند مفهوم اصلی کلمه روسی را منتقل کند. هنگام ترجمه نام اثر، من مدت زیادی با دو عبارت "مأمور مخفی" و "مبارز" کلنجار رفتم و دست آخر برای اینکه هم مفهوم و هم وزن واژه روسی حفظ شود و هم عنوان آن در متن داستان به خوبی بنشیند، به واژه "چشم"^۱ رسیدم. متن اصلی این قصه را زمانی نوشتم که من و همسر من در برلین از خانواده‌ای آلمانی دو اتاق اجاره کرده بودیم. البته این اثر، پیش از آنکه به صورت کتابی مجزا چاپ شود، به صورت پاورقی در چند مجله به چاپ رسیده بود. آدم‌های قصه، شخصیت‌های محبوب دوره آغازین کار ادبی من هستند: مهاجرین روس که در برلین، پاریس یا لندن زندگی می‌کنند. البته آنها تفاوتی با دیگر مهاجرین ندارند و شاید زندگی‌شان کمابیش شبیه به مثلاً مهاجرین نروژی در ناپل باشد. من همیشه

۱. کلمه "Eye" در زبان انگلیسی بجز معنی "چشم" دارای چند معنی دیگر از جمله "ناظر" و "مراقب" نیز هست. (م)